

### متن پرسش

عرض سلام و احترام خدمت استاد گرامی بنده پیگیر مباحث حضرتعالی هستم اما به عنوان یک شاگرد ناچیز خواستم مطلبی را با شما در میان بگذارم. در همین جلسه روز سه شنبه ۱۴ دیماه که خاطره‌ای درباره آهوان نقل شد وقتی اخر خاطره از سردار نقل شد که من به دعای اینها هم محتاجم فرمودید این مهم نیست حتی شاید راوی خاطره خودش این را اضافه کرده. عزم این است که چرا وقتی میخواهید تبیین وجودی داشته باشید یا جایگاه تاریخی را توصیف و تبیین کنید تا این حد از واژه‌های دینی و اخلاقی احتراز می‌کنید. شاگرد کوچکتان با اینکه کاملا در ضرورت فهم تاریخی با شما همدل است پیوندی جدانشدنی بین همه واژگان و دیدگاههای دینی با فهم تاریخی می‌بیند. ۱۳ و ۱۴ دیماه امسال کنار مزار حاج قاسم بودم. هم اینهمه توجه قلوب را ناشی از اخلاص سردار میدیدم چنان که حضرت آقا به آن تصریح داشتند، هم حاج قاسم عزیز را طلب تاریخی مردم میدیدم. شما استاد روشندل و بزرگواری ما هستید اما می‌شود به نگرانی بنده لحظه ای توجه کنید که مبدا تبیین‌های تاریخی و وجودشناختی، بوی سکولاریته بدهند. همچنان که در تاکید بر مقام خیال، مقام عقل و حتی عمل نادیده گرفته نشود. ملاصدرا پیامبر را در همه قوای عامله واهمه خیال و عقل در نهایت حد انسانیت میداند، تاکید بیش از حد بر یک جهت ما را از تعادل انسان کامل دور میکند. از صبوری حضرتعالی برای خواندن مشق‌های شاگرد کوچکتان ممنونم

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: تأکید بنده بر حضور بیشتری است که در بنیان تاریخی حاج قاسم می‌توان مدّ نظر داشت و آنچه بر روح او می‌گذرد را که حضور خدا در این تاریخ است؛ اصل بگیریم و واژه‌های دینی که در ادبیات امثال حاج قاسم‌ها مطرح می‌شود را سعی کنیم با نگاه هرمنوتیکی نظر کنیم تا معنای عمیق‌تری از اخلاص این افراد در کلمات‌شان دیده شود. عرض بنده آن بود که شهید حاج قاسم در این کلمات، به دنبال حضور گسترده خود می‌باشد و برای حفظ آن حتی توجه او به آهوهایی است که در کنار مقر قرارگاه قدس در حال چرا هستند و با ریزش برف از چریدن در آن بیابان محروم می‌شوند. این یعنی تقدم بودن بر اندیشیدن که بحث آن مفصل است. موفق باشید